

Meta-Synthesis of Hijab Studies in Iran aftermass the Islamic Revolution

Sahar Naghipoor eiveki^{*}, Narges Nikkhah Ghamsari^{}**

Mohammad Javad GholamReza Kashi^{*}, Mohammad Ganji^{****}**

Abstract

The purpose of this research qualitative studies meta- synthesis related to hijab in Iran after the Islamic Revolution. The source of the research was from the 811 bases during the 1357- 1399 in two scientific sites. At first stage, 76 sources and in the second 53 sources were found based on content matching. The quality of the sources as well as the credibility and reliability of the findings were examined. As results, two general themes of "traditional hijab" and "modern hijab" were extracted. The traditional hijab was consisting of the characteristics, function and solutions to strengthen the hijab, the supporting arguments from religious teachings, the reasons for the tendency to wear, how to deal with non-observance of the hijab in order to strengthen the desire to wear The consequences of bad hijab and how to portray it in domestic websites compared to modern hijab, considering the meaning-making axes such as the meaning, shape, types of hijab, supporting arguments, the causes and contexts of bad hijab and how to deal with it, the status of the hijab and how to portray the hijab in Foreign sites were placed

* Ph.D. Student, Department of Social Sciences, University of Kashan, Kashan, Iran,
Sahar.naghipoor@Gmail.com

** Associate Professor, Department of Social Sciences, University of Kashan, Kashan, Iran (Corresponding author), n_nikkhah_gh@yahoo.com

*** Associate Professor, Department of Political Sciences, University of Allameh Tabatabaei, Tehran, Iran,
javatkashi@gmail.com

**** Assosiate prpfessot, Department of Social Sciences, University of Kashan, Kashan, Iran.
m.Ganji@kashanu.ac.ir

Date received: 13/02/2023, Date of acceptance: 10/07/2023



at two ends of a spectrum. In the light of existing relationships between their different levels, the "conceptual model of hijab" was abstracted.

Keywords: Hijab, Traditional hijab, Modern hijab, Conceptual pattern, Meta-Synthesis.

فرا ترکیب مطالعات حجاب در ایران بعد از انقلاب اسلامی

سحر نقی پور ابوکی*

نرگس نیکخواه قمصری**، محمدجواد غلامرضا کاشی***، محمد گنجی****

چکیده

هدف از انجام این تحقیق، فرا ترکیب مطالعات کیفی مرتبط با حجاب در ایران بعد از انقلاب اسلامی است. قلمرو مطالعاتی پژوهش، جستجوی تعداد ۸۱۱ منبع طی سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۹ در دو سایت "پرتال جامع علوم انسانی" و "پایگاه علمی جهاد دانشگاهی" بوده که در مرحله اول، ۷۶ منبع و در مرحله دوم و نهایی ۵۳ منبع بر اساس تطابق محتوا و کیفیت منابع و نیز اعتبار (باورپذیری) و اعتماد (اطمینان‌پذیری) یافته‌ها، گزینش و مورد بررسی قرار گرفت. در نتایج پژوهش، دو مضمون کلی «حجاب سنتی» و «حجاب مدرن» استخراج شد. در حجاب سنتی، ویژگی حجاب، کارکرد حجاب، راهکارهای تقویت حجاب، استدلال‌های پشتیبان برآمده از آموزه‌های دینی، علل گرایش به حجاب، نحوه مواجهه با عدم رعایت حجاب در راستای تقویت تمایل به حجاب، پیامدهای بدحجابی و نحوه تصویرسازی آن در سایت‌های داخلی در مقابل حجاب مدرن با اتنا بر محورهای معنابخشی چون معنای حجاب، شکل حجاب، گونه‌های حجاب، استدلال‌های پشتیبان (نظری و تاریخی)، علل و زمینه‌های بدحجابی و نحوه مواجهه با آن، وضعیت حجاب و چگونگی تصویرسازی حجاب در سایت‌های خارجی، در

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران،

Sahar.naghipoor@gmail.com

** دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران (نویسنده مسئول)، an_nikkhah_gh@yahoo.com

کد ارکید ۰۰۰۰-۰۰۰۲-۳۹۸۴-۸۴۵۰

*** دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، javadkashi@gmail.com

**** دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران، m.Ganji@kashanu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۹



دو سر یک طیف قرار گرفت. در پیوند با این مقولات، شبکه معنایی متفاوتی به تصویر کشیده شد که در پرتو روابط موجود میان سطوح مختلف آن‌ها «الگوی مفهومی حجاب» انتزاع شد.

کلیدواژه‌ها: حجاب، حجاب سنتی، حجاب مدرن، الگوی مفهومی، فراترکیب.

۱. مقدمه و طرح مسئله

گسترش روندهای مدرنیزاسیون زمینه‌ساز تغییراتی همه‌جانبه برای جوامع در حال گذار است. پیدایش نهادهای مدرن، فراگیری نظام آموزشی و در نتیجه افزایش سطح تحصیلات اقشار مختلف جامعه، گسترش فعالیت رسانه‌های همگانی و افزایش آگاهی‌های عمومی درباره شرایط زیست اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به موازات ورود تدریجی زنان به نیروی کار در سطوح و بخش‌های مختلف علمی، اداری، صنعتی، خدماتی و غیره پیامدهای قابل تأملی برای روابط و مناسبات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی این جوامع در پی داشته است. اشکال گوناگون مشارکت اجتماعی زنان و به دنبال آن افزایش مطالبات آن‌ها برای بهره‌مندی برابر با مردان از امتیازات و سرمایه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از جمله چنین پیامدهایی است که به نوبه خود کیفیت و چگونگی شرایط و قواعد زیست اجتماعی و فرهنگی آن‌ها را در کانون توجه سیاست‌گذاران قرار داده است.

در ایران نیز از همان آغاز روند نوسازی، حکومت پهلوی حجاب زنان را به شیوه‌های گوناگون از کار بست اجبار و خشونت تا اقدامات نرم و مستمر تبلیغاتی، به‌عنوان یکی از موانع ورود به "تمدن بزرگ" معرفی نمود، اما با وقوع انقلاب اسلامی و تأکید بر بازسازی فرهنگی جامعه، بار دیگر حجاب و فراگیر کردن آن مبتنی بر ملاحظات دینی و فرهنگی به‌عنوان یکی از مظاهر مقاومت در برابر "رژیم پیشین" در دستور کار دولت‌های پس از انقلاب قرار گرفت و اعمال سیاست فرهنگی جدید در نهادهایی چون خانواده، مدرسه، دانشگاه یا اماکن مذهبی، اراده نظام جدید برای بازتعریف، تنظیم و مدیریت آن را به نمایش گذاشت، و البته در خلال بازخوردهای اجتماعی و فرهنگی چنین سیاست‌هایی، موضوع «حجاب» در ابعاد و گفتمان‌های متفاوتی در کانون توجه قرار گرفت. از آن جمله می‌توان به گفتمان نظم و دگرگونی همزمان حجاب که در نتیجه اثرات و نفوذ هر دو مجموعه از عوامل انسانی و غیرانسانی به‌وجود آمده (حقیقی، ۱۳۹۶: ۵۵)، و یا به گفتمان دینی که با تأکید بر حجاب با گفتمان لیبرال مبنی بر آزادی که در نوع پوشش درگیرند، هر چند که گفتمان مذهبی غالب است (زاهد و کاوه، ۱۳۹۱: ۴۹)

فرا ترکیب مطالعات حجاب در ایران بعد از انقلاب اسلامی (سحر نقی پور ایوکی و دیگران) ۱۴۷

اشاره کرد. همچنین می‌توان گفت‌مان حجابی را که نه به واسطه‌ی سازوکارهای سرکوب، بلکه در متن گفت‌مان‌های مختلف واقعیتهای اجرایی پیدا کرده است، نشان داد (مرادخانی، ۱۳۹۶: ۱۷).

به بیان دیگر، با اهمیت یافتن حوزه فرهنگ در بازنمایی هویت‌های ملی و دینی، بازگشت به هویت‌های دینی در اشکالی مدرن، توجه حکومت به موضوع حجاب زنان را به عنوان نمادی مذهبی، و تاکید بر ضرورت رعایت آن را به عنوان منفعتی اجتماعی حتی در مقام تقابل با ترجیحات فردی (ایمنی و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۶۳) قرار داده است. حجاب، عنصری از گفت‌مان شرقی اسلامی در مقابل غربی اروپایی (زاهدیان و صدری‌ارحامی، ۱۳۹۹: ۵۵)، است که مانعی برای جلوه‌گری و خودنمایی زنان در انظار عمومی (شاکری‌نژاد، ۱۳۹۸: ۳۲)، بوده و پوشش موجه زنان هنگام حضور در جامعه و معاشرت با مردان (ده‌یادگاری و همکاران، ۱۳۹۶)، عامل جاذبه‌زدایی از زنان و پیشگیری از ارتکاب جرائم جنسی علیه آنان (محمودی و بابایی، ۱۳۹۹: ۲۶۸)، است که مانع اختلاط نامشروع میان جنس مخالف و در نتیجه بروز ناهنجاری‌های جنسی و اخلاقی (ایمنی و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۶۱) بوده و عاملی مهم در تأمین امنیت و احساس امنیت زنان در راستای تحقق یک توسعه پایدار (محمودی و بابایی، ۱۳۹۹: ۲۷۰) است و در مقابل بروز اشکال مختلف اعتراض علیه آن، بستری برای ظهور قلمرو پژوهشی جدیدی را فراهم نمود که اکنون خود به مثابه فضایی گفت‌مانی، چگونه اندیشیدن و سخن گفتن پیرامون حجاب و تامل در پیش‌فرض‌ها، رویکردها و شیوه طرح و مواجهه با مسائل مرتبط با آن را در سطوح مختلف جامعه امکان‌پذیر ساخته است.

به همین ترتیب پرسش از کم و کیف مباحث مطرح در این قلمرو، گامی برای فراتر رفتن از محدوده پژوهش‌های کمی و کیفی موجود است، که بازاندیشی پیرامون چگونگی پرداختن به موضوع حجاب و رویکردهای معمول در فهم آن، به منظور شناخت و معرفی موضوعات بوده و همچنین مسائل مرتبط و ابعاد مغفول مانده از آن، در گستره مطالعات انجام گرفته، صورت پذیرفته است. از این‌رو نوشتار حاضر کوشیده است با اتخاذ رویکردی کل‌نگر، در خلال کاربست روش فرا ترکیب (meta-Synthesis) و اصول آن، یعنی ارائه ترکیبی تفسیری از یافته‌ها و کشف موضوعات و استعاره‌های جدید و اساسی از آن‌ها (جعفری‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۷) به مطالعه، مقایسه و ترکیب یافته‌های پژوهش‌های کیفی انجام شده در حوزه حجاب بپردازد، و در مقابل پرسش‌های زیر، پاسخی روشن در اختیار دستگاه‌ها و موسسات ذیربط قرار دهد.

۱. مطالعات کیفی انجام شده در حوزه حجاب در ایران بعد از انقلاب اسلامی چه جنبه‌هایی از این مسئله را مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند؟
۲. الگوی مفهومی (مدل مفهومی) حجاب در ایران بعد از انقلاب اسلامی چگونه است؟

۲. چهارچوب مفهومی

واژه "حجاب" به معنای پرده و حائل و البته غالب استعمال این لفظ در معنای دوم است. از گفتار اهل لغت می‌توان نتیجه گرفت که در زبان عرب، حجاب به پوششی اشاره دارد که مانع از دیدن شیئی پوشانده شده می‌شود (کاظم‌پور ساریدرق و همکاران، ۱۳۹۷: ۶). از منظری دیگر، حجاب به‌عنوان شکل خاصی از پوشش بدن زنان، علاوه بر اسلام در ادیان دیگر نیز مطرح بوده (همان: ۱۸)، و عمدتاً به مثابه جلوه‌ای از اعتقادات، ارزش‌ها و اعمال دینی مسلط «در تاریخ و سنت‌های دیرینه آن جامعه ریشه داشته است» (اینگلهارت و نوریس، Inglehart and Norris، ۱۳۸۷، ۳۱۴).

حال اگر مطابق نظر دورکیم (Durkheim)، دین را نه تنها نظامی از باورداشته‌ها و مفاهیم، بلکه نظامی از کنش‌ها و دربرگیرنده مناسک عملی نیز بدانیم که اهمیت و نقش مناسک در آن تا بدانجاست که از طریق مشارکت در مراسم و انجام مناسک مذهبی قدرت اخلاقی جامعه را آشکارا نمایان و احساسات اخلاقی و اجتماعی را تقویت و تجدید می‌کند (همیلتون، ۱۳۸۹، ۱۷۶-۱۷۵)، حجاب در جامعه اسلامی به‌عنوان سبک خاصی از پوشش زنان در پیوند با فرامین جامعه در واقع پایه اخلاق را می‌سازند و از همین رهگذر تاکید بر رعایت حجاب در جامعه اسلامی از سوی زنان به خوبی قابل درک است. این در حالی است که به بیان اینگلهارت و همکارانش جوامع صنعتی پیشرفته به سوی گرایش‌های غیر دینی تر رفته‌اند: «نوسازی» (فرایند صنعتی شدن، شهرنشینی و سطوح بالارونده تحصیلات و ثروت)، به شدت از تأثیر سازمان‌های دینی در جوامع مرفه کاسته، میزان حضور در مراسم دینی را کاهش داده و اهمیت ذهنی دین را در زندگی مردم کمتر کرده است. (اینگلهارت و نوریس، ۱۳۸۷: ۴۹-۴۸).

به هر حال، از آنجا که بدن و هر آنچه در ارتباط با آن است، متاثر از شرایط و عوامل مختلف دچار تغییر و تحولاتی می‌شود، حجاب و پوشش نیز از این تغییرات مستثنی نبوده و در سطوح مختلف عینی و ذهنی تفاوت‌هایی را نشان می‌دهد.

جامعه‌شناسی بدن (Sociology of the body) با تمرکز بر چگونگی تأثیرپذیری بدن از عوامل و نیروهای اجتماعی، آنرا فراتر از پیکری صرفاً مادی درون روابط درهم تنیده نیروهای

فرا ترکیب مطالعات حجاب در ایران بعد از انقلاب اسلامی (سحر نقی پور ایوکی و دیگران) ۱۴۹

اجتماعی تاریخی قرار می‌دهد و از این رهگذر تاثیر گذاری آن بر مناسبات اجتماعی را نیز عیان می‌سازد. در واقع بدن هم از تجربه‌های اجتماعی و از هنجارها و ارزش‌های گروه‌هایی که به آنها تعلق دارد تاثیر می‌پذیرد و هم پیوندهای متقابلی میان زندگی اجتماعی و تغییرات آن در طول زمان و نحوه بروز و ظهور اجتماعی بدن و قواعد و شرایط حاکم بر آن را تاکید می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۹: ۲۱۱).

اندیشه‌ها و نوشته‌های میشل فوکو (Michel Foucault) در رابطه با فهم بدن در جامعه راهگشاست (کریگان، ۱۳۹۶: ۸۷). فوکو معتقد است بدن در دوره کلاسیک به منزله ابژه قدرت کشف شد که می‌تواند دستکاری و اداره شود، ساخته شود، رام شود، اطاعت کند و مهار شود (فوکو، ۱۳۹۸: ۱۷۰). امروزه با تغییر بدن‌مندی سنتی به مدرن اولیه و سپس مدرن و پست‌مدرن کنونی، همه ما، سازوکارهای نظارت استوار بر انواع مراجع تعیین حدود و معرفت‌شناسی‌های مشروع نهادی را درونی کرده‌ایم و در اصل «نظام را پذیرفته‌ایم» (کریگان، ۱۳۹۶: ۱۱۱). از این روی، نظارت بر بدن‌های اجتماعی رکن اساسی سازماندهی و نظارت اجتماعی است و بدن‌های فردی انسان‌ها در خدمت نهادهای جامعه، به‌خصوص نهاد اقتصاد و سیاست نیز قرار می‌گیرند (جوهری، ۱۳۸۷: ۵۶). چندگانگی نیروهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، صفت‌بندی‌های واقعی "زنان" را در مواجهه با مسائل خود و از جمله بدن و نمای اجتماعی آن را برمی‌سازند (باتلر، ۱۹۹۰: ۲۰-۱۹). به بیان دیگر، بدن‌مندی در بسترهای اجتماعی تاریخی قابل‌بازسازی است (کریگان، ۱۳۹۶: ۲۰۶).

در بسیاری از عرصه‌های فرهنگی پیشامدرن، نمای ظاهری بدن به طور کلی تابع استانداردهای مبتنی بر معیارهای سنتی بود، لیکن با فرا رسیدن عصر جدید، بعضی از انواع نماهای ظاهری (Appearance) و کردارهای بدنی اهمیت خاصی یافت و به تدریج طرز آراستن چهره و انتخاب لباس تا اندازه‌ای به‌عنوان وسیله‌ای برای ابراز هویت تبدیل شد. در واقع، نمای ظاهری فرد بیش از آن‌که نشان‌دهنده‌ی انتخاب شخصی او در نوع و میزان پوشش یا آراستگی‌اش باشد، بیانگر هویت اجتماعی، جایگاه و موضع طبقاتی یا حرفه‌ای او تلقی شد. به بیان گیدنز، امروزه مدهای لباس تحت تأثیر گروه‌های فشار، آگهی‌های تجاری، امکانات اجتماعی-اقتصادی و دیگر عواملی است که بیشتر مروج استانداردهای اجباری هستند تا تفاوت‌های فردی (گیدنز، ۱۳۸۸: ۱۴۵-۱۴۴).

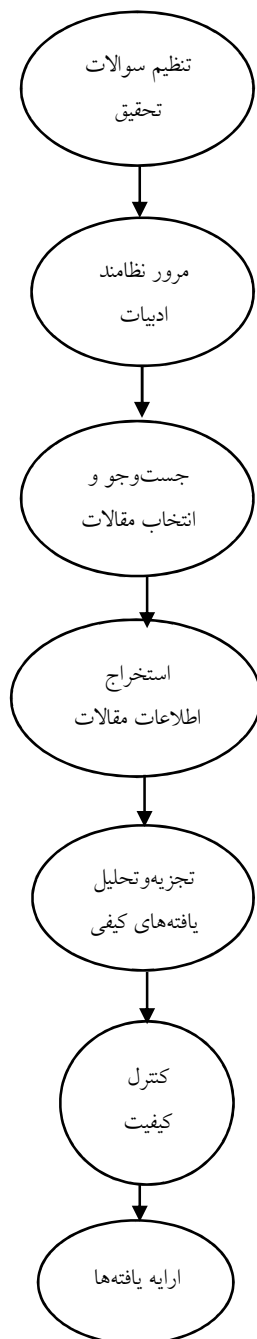
ظهور الگوهای متفاوت رفتارهای اقتصادی و سیاسی تنها یک جنبه از نشانگان بسیار گسترده‌تر دگرگونی فرهنگی از جمله گرایش‌های مذهبی سنتی و هنجارهای اجتماعی و جنسی

متعارف را نشان می‌دهد (اینگلهارت، ۱۳۹۵: ۴)، و به موازات فرایندهای جهانی شدن همچنان می‌توان شاهد تنوع فرهنگی در سطح جهان (نوریس و اینگلهارت، ۱۳۹۷) و حتی دگرگونی انگیزه‌های افراد و در نتیجه دگرگونی جهان باشیم (اینگلهارت، ۱۴۰۰).

در مجموع، درکنار تاکید دیدگاه‌های فوکو، گیدنز، اینگلهارت و دورکیم درباره «منضبط شدن بدن»، «پیوند هویت و بدن»، و «تاثیر تغییرات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بر بدن و چگونگی بروز و ظهور اجتماعی آن»، «نوسازی و تحول فرهنگی»، و «تلقی حجاب به مثابه یکی از مناسک دینی»، پژوهش‌های انجام شده در این حوزه نشان می‌دهند چه در جوامع اسلامی و چه در جوامع اروپایی، حجاب برای زنان مسلمان نه تنها فراتر از چارچوب‌های تفسیری یکسویه، سکولار یا مذهبی، حاوی معانی متنوع و پیچیده‌ای است، بلکه بر مبنای شرایط اجتماعی و افق امکانات موجود (کسرای و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶۷)، به اشکال گوناگونی عینیت می‌پذیرد.

۳. روش پژوهش

چنانچه قبلاً نیز اشاره شد، نوشتار حاضر در مسیر تحقق هدف خود، از روش «فرا ترکیب» بهره می‌برد. این روش می‌کوشد تفسیرهای داده‌های اصلی مطالعات منتخب را با هم ترکیب کند (ایلی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۴۳). نتیجه یک فرا ترکیب، ترکیبی از یافته‌های مطالعات کیفی مختلف است، و در سطح مفهومی بالاتری که تنها با مطالعات واحد به دست نمی‌آید و بسیار مفصل‌تر از مرور ادبیات روایی توصیفی است. علاقمندی و دقت نظر محقق در فرایند ترکیب، کیفیت نتایج حاصله را افزایش می‌دهد (گریتز و همکاران (Gewurtz et al)، ۲۰۰۸؛ میجر و ساوین بادن (Major & Savin-Baden)، ۲۰۱۰، به نقل از نایر و استنلی (Shoba Nayar & Mandy Stanley)، ۲۰۱۵: ۱۷۵). روش فرا ترکیب حاضر، بر اساس نظرات (سندلوسکی و باروسو (Barroso & Sandelowski)، ۲۰۰۶)، که دارای هفت مرحله است، تدوین شده است. بر این اساس، متن پژوهش‌های انجام شده مرتبط با موضوع حجاب، داده به حساب آمده و همانند متن مصاحبه در پژوهش کیفی در نظر گرفته شده است (شهانواز و آزاده، ۱۳۹۷: ۵۵).

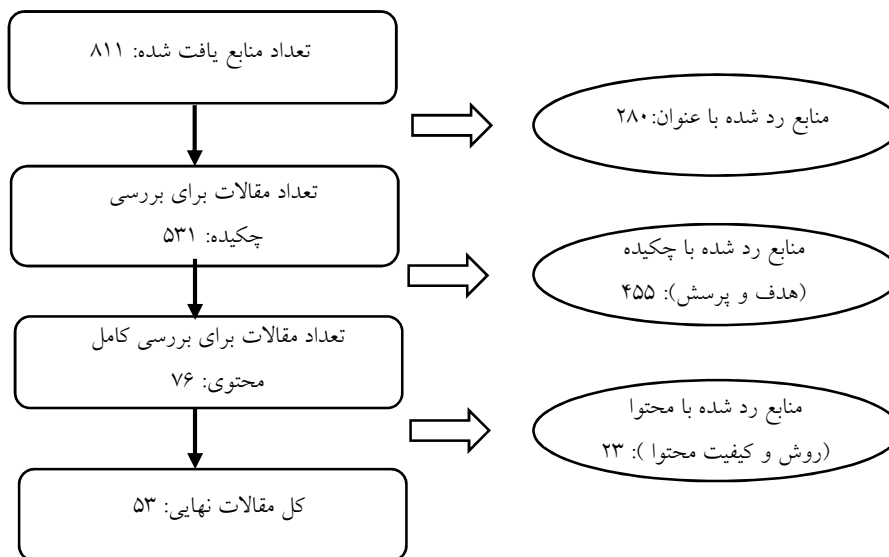


شکل ۱. مراحل روش فرا ترکیب بر اساس روش سندلوسکی و باروسو

مرحله اول، تنظیم سوالات تحقیق: اولین گام از انجام فراترکیب، تدوین سؤالاتی است. برای تنظیم و دستیابی به سوالات پژوهش معیارهای مختلفی مانند چه چیزی، چه زمانی و چگونگی مورد توجه قرار می‌گیرد. بر این اساس، سوالات نوشتار حاضر عبارتند از: «پس از انقلاب اسلامی در ایران چه مفاهیم و مقوله‌هایی در رابطه با حجاب در سطح جامعه مطرح می‌شوند؟» و «الگوی مفهومی حجاب در بعد از انقلاب اسلامی در ایران چگونه است؟»

مرحله دوم، مرور ادبیات به شکل نظام‌مند: جامعه آماری پژوهش را مطالعاتی تشکیل می‌دهند که از جوانب و دیدگاه‌های مختلف به بررسی موضوع حجاب پرداخته‌اند. برای دستیابی به داده‌های پژوهش، دو پایگاه «پرتال جامع علوم انسانی» و «پایگاه علمی جهاد دانشگاهی» با کلیدواژه "حجاب" مورد بررسی قرار گرفته است.

مرحله سوم، جستجو و انتخاب متون مناسب: پس از جستجو در دو پایگاه علمی، تعداد ۸۱۱ مقاله مرتبط شناسایی شد. برای انتخاب پژوهش‌های مناسب و قابل استفاده در روش فراترکیب، مقالات بر اساس پارامترهای مختلفی مانند عنوان، چکیده، محتوا و کیفیت روش‌های پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفت، و در نهایت ۵۳ مقاله برای انجام روش فراترکیب انتخاب شد. شکل ۲ نتایج جستجو و انتخاب نهایی پژوهش‌ها را نشان می‌دهد.



شکل ۲. نتایج جستجو و انتخاب نهایی پژوهش‌ها

فرا ترکیب مطالعات حجاب در ایران بعد از انقلاب اسلامی (سحر نقی پور ایوکی و دیگران) ۱۵۳

مرحله چهارم، استخراج اطلاعات مقالات: در این مرحله، پژوهش‌های انتخاب شده در مرحله‌ی قبل، بر اساس نام پژوهشگران، سال انتشار، نام مجله و زیرموضوعها استخراج شدند.

مرحله پنجم، تجزیه و تحلیل یافته‌های کیفی: در این مرحله، پژوهش‌های انتخاب شده از حیث محتوا بررسی شده و مضمون‌های مرتبط با حجاب، به عنوان کدهای اصلی استخراج می‌شوند. پس از مطالعه منابع و مشخص کردن مولفه‌های هر سند، دسته‌بندی‌هایی صورت می‌گیرد و برای هر دسته، مقوله‌ای شناسایی می‌شود.

مرحله ششم، کنترل کیفیت: به منظور تأیید اعتماد (اطمینان‌پذیری) نیز مسیر طراحی تحقیق، جزئیات مربوط به جمع‌آوری اطلاعات و اجرای آن مشخص می‌شود و مسیر تحقیق از ابتدا تا کدگذاری چندین بار مورد بررسی و بازنگری قرار می‌گیرد. به منظور اعتبار (باورپذیری) تحقیق، از بازیبن یا بازیبنان جهت بررسی تمام مراحل فراترکیب (یعنی انتخاب مطالعات، ارزیابی مطالعات، استخراج داده‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها) دعوت می‌شود. بازیبن نه تنها باید در گام‌های مختلف تحقیق به منظور کشف هرگونه تعصب مربوط به پژوهشگر، رویه‌ها را بررسی کند، بلکه باید به این نکته توجه داشته باشد که آیا کاربرد روش‌های جایگزین برای داده‌ها و مفهوم‌سازی آن‌ها امکان‌پذیر است؟ (تیمیولاک، ۲۰۰۹: ۲۹۷).

مرحله هفتم، ارائه یافته‌ها: در نهایت یافته‌های حاصل از فراترکیب تحقیقات ارائه می‌شود. اگر مجموعه داده‌ها بسیار بزرگ باشد، استفاده از نرم‌افزار برای مدیریت داده‌ها لازم است (نایر و استنلی، ۲۰۱۵: ۱۸۲).

۴. یافته‌های پژوهش

در فاصله سال‌های ۱۳۵۷ تا اواخر دهه ۱۳۸۰ در دو پایگاه علمی مورد بررسی مقاله‌ی کیفی با کلید واژه‌ی پیرامون حجاب یافت نشد، لیکن ثبت ۸۱۱ عنوان مقاله از اواخر این دهه تا پایان دهه نود در همین موضوع نشانگر رشد تحقیقات در این حوزه مطالعاتی است که به نوبه خود افزایش توجه عمومی محققان به مقوله حجاب در بستر فرهنگی دو دهه اخیر را باز می‌نماید. به هر حال بنابر هدف این پژوهش، بر ۵۳ مقاله متمرکز شده است که با روش کیفی درباره حجاب انجام شده، و در جدول شماره ۱ قابل مشاهده است.

جدول ۱. دوره زمانی آثار

سال انتشار	تعداد (درصد)
۱۳۶۰-۱۳۵۷	(۰)۰
۱۳۷۰-۱۳۶۰	(۰)۰
۱۳۸۰-۱۳۷۰	(۰)۰
۱۳۹۰-۱۳۸۰	(۱۱/۳)۶
۱۳۹۹-۱۳۹۰	(۸۸/۷)۴۷

جدول ۲. عنوان هر مقاله به همراه نام پژوهشگر، سال انتشار و کد آن

کد	نام مقاله	پژوهشگران
۱	مصرف پوشش؛ بررسی تجربی پوشش جوانان شهر آمل	بهار و محمودی (۱۳۹۵)
۲	فرهنگ پوشش زنانه نزد بانوان دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی	عسگری خانقاه و بهادری‌نژاد (۱۳۹۳)
۳	بررسی مفهوم حجاب در متون اسلامی، جایگاه آثار و جلوه‌های تربیتی آن	رهنما و همکاران (۱۳۹۴)
۴	گفتمان‌های پوشش ملی در ایران	زاهد و کاوه (۱۳۹۱)
۵	مبانی روان‌شناختی "حجاب" و "عفاف" با تاکید بر متون اسلامی	سالاری‌فر (۱۳۹۶)
۶	تحلیلی بر حجاب و عفاف از منظر قرآن با تکیه بر مصلحت در نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی	شعبانپور و همکاران (۱۳۹۶)
۷	شناسایی علل حجاب‌گریزی و روش‌های تاثیرگذار تبلیغ و ترویج حجاب در بین دانشجویان دختر دانشگاه شیراز	شمسایی و شکری‌زاده (۱۳۹۹)
۸	بررسی نظرهای کاربران فضای مجازی در خصوص اخبار منتشره در خبرگذاری‌های داخلی و خارجی فارسی زبان پیرامون "دختران انقلاب"	شهبازی‌سلطانی و خداینده‌بایگی (۱۳۹۸)
۹	تبیین بر ادراک دختران دانش آموز از نحوه حجاب در مدارس که چادر در آن‌ها اجباری است	طالبی و کریمی (۱۳۹۹)
۱۰	رویکرد سیاست جنایی مشارکتی در قبال مساله بی‌حجابی و بدحجابی	طرهانی و همکاران (۱۳۹۸)
۱۱	بازسازی معنایی شبکه‌های اجتماعی موبایلی در زندگی روزمره جوانان ایرانی	عباس‌زاده و عدلی‌پور (۱۳۹۷)

فرا ترکیب مطالعات حجاب در ایران بعد از انقلاب اسلامی (سحر نقی پور ایوکی و دیگران) ۱۵۵

کد	نام مقاله	پژوهشگران
۱۲	پیامدهای اجتماعی حضور و موفقیت زنان میجیبه مسلمان در رویدادهای ورزشی بین‌المللی، مطالعه کیفی	فرزادفر و همکاران (۱۳۹۸)
۱۳	باتولید الگوهای حجاب در ایران	فروتن (۱۳۹۲)
۱۴	حجاب در کشاکش سنت و تجدد (تحلیلی کیفی بر قرائت‌های زنان خرم‌آباد)	قادرزاده و همکاران (۱۳۸۹)
۱۵	بررسی گرایش دختران دانشجو به حجاب و بدحجابی	کرم‌الهی و آقاسی (۱۳۹۱)
۱۶	هویت زنانه در گفتمان پهلوی دوم، مطالعه موردی مجله زن روز و سخنرانی‌های محمدرضا شاه درباره زنان	کوثری و تفرشی (۱۳۹۶)
۱۷	تحلیل مقایسه‌ای سیاست‌های فرهنگی مربوط به حجاب با رویکرد دموکراسی فرهنگی (مطالعه موردی آمریکا، فرانسه و بریتانیا)	گلچین و جعفری (۱۳۹۶)
۱۸	بررسی ارزش‌های دینی در اخبار شبکه‌های سیما در سال ۸۸	مجیدی و نیک‌ملکی (۱۳۹۱)
۱۹	افول ارزش‌های عفاف و حجاب در دانشکده پزشکی (یک مطالعه پدیدارشناسی).	محمدحسین‌زاده و همکاران (۱۳۹۹)
۲۰	پوشش زنان و دلالت‌های معنایی آن (مطالعه ی موردی زنان جوان شهر کرمانشاه)	محمدی و همکاران (۱۳۹۳)
۲۱	از مستوری تا حضور اجتماعی: موانع و پیامدهای مشارکت اجتماعی زنان از دیدگاه نشریه‌ی ملانصرالدین	قدیمی‌قیداری و کاظمی (۱۳۹۶)
۲۲	تجربه‌ی کنارگذاری فضایی بر حسب نوع پوشش در شهر تهران	باغبان‌مشیری و شهابی (۱۳۹۶)
۲۳	زنان در دو دولت: تحلیلی گفتمانی از جایگاه زنان در دولت‌های دهه‌ی ۸۰ شمسی	نظرزاده و افخمی (۱۳۹۳)
۲۴	وجوب حجاب حکمی فردی با آثار اجتماعی	ایمنی و رحمان‌ستایش (۱۳۹۹)
۲۵	پوشش دختران در ارتباطات انسانی خرده فرهنگ‌های دانشجویی؛ مطالعه کیفی نمونه‌های کرانه‌ای مغایر با الگوهای رسمی حجاب	یحیایی (۱۳۹۸)
۲۶	بررسی کیفی تاثیر فمینیسم رادیکال بر نقش زن در نهاد خانواده و مقایسه آن با تمهیدات اسلام (مطالعه موردی زنان شهر اصفهان)	یزدخواستی و ربانی اصفهانی (۱۳۹۴)
۲۷	عوامل تسهیل‌کننده و بازدارنده‌ی رعایت حجاب کامل توسط دانشجویان (یک مطالعه کیفی)	آتش‌زاده‌شوریده و همکاران (۱۳۹۵)
۲۸	گونه‌شناسی ذهنیت‌های خطمشی‌گذاران و مجریان درباره مدیریت مواجهه با	امامی و همکاران

کد	نام مقاله	پژوهشگران
	بدحجابی در ایران (پژوهشی مبتنی بر روش‌شناسی کیو)	(۱۳۹۵)
۲۹	شبکه‌ی عوامل؛ زمینه‌ها و راه‌حل‌های مسئله حجاب در دانشگاه‌های ایران؛ بایسته‌های برنامه‌ریزی فرهنگی با استفاده از نظریه‌ی زمینه‌ای	امامی و همکاران (۱۳۹۳)
۳۰	سیاست فرهنگی تفاوت در بازتابی حجاب اسلامی در رسانه‌های غربی	بشیر (۱۳۹۰)
۳۱	تحلیل کیفی سبک‌های پوشش در بین دانشجویان دختر؛ مورد مطالعه: دانشگاه آیت‌الله بروجردی (ره)	تاج‌بخش (۱۳۹۸)
۳۲	زمینه‌های فرهنگی و ادبی کشف حجاب در ایران؛ شعر موافقان و مخالفان	جوادی‌یگانه و عزیز (۱۳۸۸)
۳۳	نظام اخلاقی عفاف از منظر قرآن کریم بر مبنای سوره نور	حجازی (۱۳۹۷)
۳۴	تصویر زن مسلمان در کاریکاتورهای غیرمسلمانان؛ نشانه‌شناسی کاریکاتورهای پایگاه الکترونیکی "تونپول" ذیل موضوع زن مسلمان	رحیمی و محبی (۱۳۹۰)
۳۵	تبیین پدیده بدپوششی و بدحجابی و ارایه الگوی مناسب انتظامی	رحیمی و همکاران (۱۳۹۲)
۳۶	مدل نظری آسیب‌شناسی تربیت عفاف و حجاب در ایران	سالاری‌فر و همکاران (۱۳۹۷)
۳۷	صیانت از حریم زنان در آموزه‌های قرآن کریم	سهرابی و لباف (۱۳۹۸)
۳۸	نگرش و موضع زنان و دختران مشهدی به حجاب	صدیق‌اوری و همکاران (۱۳۹۷)
۳۹	دلالت‌های معنایی حجاب در میان زنان و دختران جوان بندرعباس	ظهیری‌نیا و همکاران (۱۳۹۷)
۴۰	فهم استفاده از چادر ملی با رویکرد پدیدارشناسی	عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۴)
۴۱	بررسی فلسفه و قلمروی حجاب در اسلام و آثار تربیتی آن	عظیمیان و بهشتی (۱۳۸۸)
۴۲	ریشه‌یابی عوامل موثر بر توسعه فرهنگ حجاب و عفاف و ارزیابی راهبردهای نقشه‌ی مهندسی فرهنگی (رویکرد سیستمی)	علوی و همکاران (۱۳۹۵)
۴۳	خوانش دانش‌آموزان دختر از کدهای پوشش مدرسه در دبیرستان‌های دخترانه تهران	فاضلی و مزین (۱۳۹۲)
۴۴	تحلیلی بر خط‌مشی راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب: آسیب‌شناسی اجرا با رویکرد فازی	قلی‌پور و همکاران (۱۳۹۶)

فرا ترکیب مطالعات حجاب در ایران بعد از انقلاب اسلامی (سحر نقی پور ایوکی و دیگران) ۱۵۷

کد	نام مقاله	پژوهشگران
۴۵	تبیین گفتمانی تبدیل شدن زنان به موضوع سیاست‌گذاری‌های رسمی در دوره رضاخان (با تأکید بر نظریه‌ی نژادی)	کجویان و زائری (۱۳۹۰)
۴۶	تبیین چالش‌های برون‌سازمانی ناجا در کنترل و مقابله با بدحجابی (مورد مطالعه: فرماندهی نیروی انتظامی غرب تهران)	لطیفی و همکاران (۱۳۹۷)
۴۷	رویه‌های به گفتمان درآوردن نحوه‌ی پوشش زنان پس از انقلاب اسلامی	مرادخانی (۱۳۹۶)
۴۸	فهم کنش زنان کنشگر کمپین "چهارشنبه‌های سفید" (مورد مطالعه: شبکه اجتماعی اینستاگرام سال ۹۷)	مسعودی (۱۳۹۹)
۴۹	تحلیل محتوای کتاب درسی تفکر و سبک زندگی دوره متوسطه اول در مورد ترویج و تعمیق فرهنگ حجاب بر اساس اهداف سند تحول بنیادین	معزی و زارعی (۱۳۹۵)
۵۰	مطالعه بازنمایی حجاب، پوشش و آرایش هنرپیشگان زن در پوسترهای فیلم‌های سینمای ایران و مطابقت آن با سیاستگذاری فرهنگی سه دولت (سازندگی، اصلاحات و اصولگرا)، به روش رهیافت گفتمانی استوارت هال	منتظر قائم و یادگاری (۱۳۹۴)
۵۱	زمینه‌های شخصیتی جلوه‌نمایی بانوان از منظر قرآن و حدیث	موسوی (۱۳۹۵)
۵۲	مطالعه نسبت پوشش و امر جنسی با استفاده از رویکرد کیفی (نظریه مبنایی)	هدایتی و باستانی (۱۳۹۷)
۵۳	تحولات زیبایی‌شناختی پوشش و پوشاک زنان ایران در گفتمان ارزش‌گرایی	یاسینی (۱۳۹۹)

پس از مطالعه دقیق و حتی چندباره مقالات، استخراج گزاره‌های توصیفی و تبدیل آن‌ها به مقولات اسمی به منظور ترکیب مفاهیم در دو سطح پیاپی انجام گرفت. بر اساس کد مقالات ۱، ۱۴، ۲۲، ۳۱، ۵۲، دو مضمون کلی «حجاب سنتی» و «حجاب مدرن» استخراج، و در دو سر یک طیف قرار گرفت. هر مضمون کلی در پیوند با مقولات اسمی و گزاره‌های توصیفی مرتبط به خوبی الگوی مفهومی متفاوتی را به تصویر می‌کشند. جدول شماره ۳، گزاره‌های توصیفی و مقولات مرتبط با مضمون «حجاب سنتی» و جدول شماره ۴، گزاره‌های توصیفی و مقولات مرتبط با مضمون «حجاب مدرن» را نمایش می‌دهد.

جدول ۳. گزاره‌های توصیفی و مقولات مرتبط با مضمون حجاب سنتی

حجاب سنتی		
مقولات	گزاره های مستخرج از مطالعات	کد مطالعه انجام شده
زیبایی و جذابیت	حجاب، عینی‌ترین رفتار اخلاقی در نظام عفاف- موقعیت‌مند و نسبی شدن حجاب در عصر جهانی‌شدن- حجاب نشانه هویت اسلامی- انتخابی بودن حجاب و مغایرت نداشتن آن با آموزه‌های سنتی درباره حجاب- مصادیق و معیارهای حجاب، پوششی غیر محدودکننده در نظر اکثر دانشجویان.	۳۳، ۳۱، ۳۰، ۲۱، ۲۵
کارکرد حجاب	حجاب، برای تأمین مصلحت فردی و اجتماعی زنان- پوشش در نقش، بخشی از فرایند زیبایی‌شناختی بدن- عمل کردن پوشش در نقش حفاظ امنیت- تمایز کنشگران با حجاب، تا اندازه‌ی زیادی با عادت‌واره‌های دینی و عقیدتی ایران مرتبط است- تأکید رعایت حجاب در اماکن عمومی با هدف حفظ حریم خصوصی- وجه اشتراک افراد، معیار حفظ حریم روابط انسانی در پوشش- حجاب از عناصر اصلی تفاوت فرهنگی میان مسلمانان و جامعه غربی- عفاف و حجاب، مهمترین بعد درونی برای صیانت از حریم زنان- تأکید رعایت حجاب در عرصه‌های مختلف فردی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی- سلامت جامعه در پی رعایت حجاب- ارزش‌های شخصی کنشگر در استفاده از چادر عبارتند از: تمایز اجتماعی، بازنمایی بدن- فلسفه حجاب در اسلام، عبارتند از: جلوگیری از تحریک مردان در جامعه و حفظ امنیت زن است تا هم از شر مزاحمان دور باشد و هم بتواند به راحتی در جامعه رفت و آمد کند- رعایت حجاب در بعد فردی عبارتند از: مصونیت، آرامش و امنیت زن- رعایت حجاب در بعد خانوادگی عبارتند از: ایجاد استحکام و ثبات خانواده- همراه بودن سلامت اخلاقی جامعه در بعد اجتماعی، در گرو رعایت حجاب.	۶، ۲۰، ۲۰، ۲۲، ۲۵، ۳۰، ۳۷، ۳۷، ۴۱، ۴۱، ۴۰، ۴۱، ۴۱، ۴۱
استدلال‌های پشتیبان	تأکید گفتمان دینی از دل آموزه‌های اسلامی بر حجاب- حجاب در گفتمان جنگ، مرتبط با گزاره‌های مربوط به ایثار و شهادت، گاهی تأکید بر نظم‌پذیری و تولید دانش در زمینه حجاب، و تکنولوژی‌های تولید معنای حجاب (رسانه‌ها)، و گفتمان خردتر "مد" بوده است توهین، خشونت و تبعیض علیه زنان به‌خاطر عدم پای‌بندی به دموکراسی فرهنگی در کشورهای اروپایی در زمینه‌ی حجاب - دال محوری، مشارکت زنان و در پیوند با خانواده‌محوری، توانمندسازی و آموزش و آگاهی در گفتمان اصلاح‌طلبی- خانواده- محوری، دال مرکزی بوده و در پیوند با تعمیق باورهای دینی، حجاب و عفاف و نقش تربیتی زنان در گفتمان محافظه‌کار رادیکال- تأکید یک گفتمان بر حجاب حداکثری و تأکید گفتمان زیبایی‌شناختی به حدود متوسط حجاب در اسناد مکتوب، تولیدات رسانه‌ای نظیر برنامه‌های تلویزیون و فیلم‌های سینمایی.	۴، ۴۷، ۱۷، ۲۳، ۲۳، ۵۳

فرا ترکیب مطالعات حجاب در ایران بعد از انقلاب اسلامی (سحر نقی پور ایوکی و دیگران) ۱۵۹

<p>دین و فرهنگ و سبک زندگی</p>	<p>اثرگذاری تأثیر سن بر حجاب در کتب درسی - افزایش تأکید بر مذهب در معرفی پوشش زنان، در کتابهای درسی با افزایش سن مخاطبان - تأثیر پذیرفتن وضعیت حجاب در دانشگاه ها از وجود زمینه‌ها، مسائل و موانعی که ریشه در فرهنگ، ساختارهای فرهنگی، اقتصادی و خصوصاً ساختارهای علمی و آموزشی و دانشگاهی دارد - آسانی استفاده از چادر ملی - تعامل چند سویه فرهنگ حجاب و عفاف با حوزه‌های اجتماعی، رسانه‌های داخلی و غربی، نظام آموزش خصوصی و دولتی، سیاست‌گذاری حاکمیت در ترویج فرهنگ و اقتصاد لباس اسلامی و غیر اسلامی - آسانی استفاده از چادر ملی - مشوق‌های استفاده از چادر عبارتند از: ساختارهای فرا شخصی مانند هویت قومی، محلی، جامعه مردسالار و بی‌قدرتی زنان، کلیشه چادر و فشار هنجاری - محقق شدن تصمیم‌گیری فرد در زمینه حجاب و عفاف در بستر پویایی از مبانی اعتقادی و باورها، آرمان‌های ذهنی و رفتارهای ظاهری فرد - از جمله روشهای موثر برای درونی کردن حجاب برای زنان عبارتند از: ارتقاء و تقویت ایمان به خدا، اطلاع‌رسانی در زمینه حجاب و بیان فلسفه و آثار مثبت آن، معرفی الگوهای والای حجاب - موثر بودن علت‌های متعدد اجتماعی؛ فرهنگی، اقتصادی و فرهنگی در دوره کوتاه تا بلندمدت بر رفتارهای فرهنگی مانند حجاب.</p>	<p>۱۳، ۱۳، ۲۹، ۴۰، ۴۲، ۴۰، ۴۰، ۲۲، ۴۱، ۴۲</p>
<p>راهکارهای تقویت سبک زندگی</p>	<p>خواسته‌ها و نیازهایی در زمینه حجاب - علل حجاب‌گریزی - آسیب‌شناسی حجاب - پیامدهایی بدحجابی، برای جامعه - راهکارهای تشویق زنان به حجاب - ترویج عفاف و حجاب از زبان دانشجویان - نهادهای سازی قلبی حجاب با تأکید بر عفاف‌باوری از طریق شناخت و اقناع مخاطب - مورد توجه قرار گرفتن عفاف و حجاب در همه‌ی رفتارها - رعایت حجاب در گرو وضوح تعریف آن - بهترین شیوه‌ی آموزش حجاب، اصلاح نظام شناختی - مهمترین نکته در رعایت حجاب، ایدئولوژیک بودن اندیشه حجاب - پایدارترین شیوه عمل به حجاب، گرایش درونی به حجاب - نهادهای شدن حجاب با برنامه‌های خانواده‌مدار، تدابیر آموزشی، بالابردن سطح آگاهی مردم، مشارکت مردمی، ارتقای پاسخگویی و فرهنگ‌سازی - توجه بیشتر مسوولین به عفاف و حجاب در برنامه‌های درسی پنهان - جامع‌نگر بودن برنامه‌ها در راستای افزایش و گرایش به حجاب - تدریجی بودن اثرات برنامه‌های مشوق حجاب - راهکارهای ترغیب حجاب عبارتند از: ناظر به جهان بینی و مبانی نظری اسلامی و نوع نگاه به انسان و مبداء و معاد - متناسب بودن راهکارهای ترغیب به حجاب با سلیقه‌های پوشش و با توجه به تعریف، معنی و مفهوم حجاب، حیاء و عفاف - در نظر گرفتن راهکارهای متفاوت، برای طیف‌های مختلفی از افراد - استفاده از نظرات ذی‌نفعان مختلف و تحلیل‌های واقع‌گرایانه در بازنگری خط‌مشی‌ها - تشکیل کارگروه‌هایی از افراد تأثیرگذار و تأثیرپذیر برای بررسی الزامات شکل‌گیری فرهنگ عفاف و حجاب - تأکید بر تغییر مشارکت‌جویانه‌ی افراد، به جای تغییر اجباری نوع پوشش افراد - توجه به اقبای فکری برای پذیرش قلبی و درونی حجاب، ارایه الگوی لباس و پوشش مناسب در راستای تقویت مراتب اسلامی، ارایه خدمات جسمی و روحی در متون درسی تفکر و سبک زندگی.</p>	<p>۷، ۷، ۷، ۷، ۷، ۷، ۷، ۹، ۹، ۹، ۹، ۹، ۹، ۲۹، ۲۹، ۲۹، ۲۹، ۴۴، ۴۴، ۴۴</p>

<p>توجه به عدم رعایت زنان با پوشش</p>	<p>اعتقاد به داشتن سیاست مشخص درباره حجاب در گونه ذهنیتی خط‌مشی‌گرایان- اعتقاد به اجرای سیاست موجود و کافی در گونه ذهنیتی اجراگرایان- اعتقاد به تغییر در نگرش مسئولان در گونه ذهنیتی نگرش‌گرایان- اعتقاد به مشارکت عمومی و نهادهای مردمی در گونه ذهنیتی عامه‌گرایان- انجام عملیات روانی و نرم، قبل از مقابله سخت با بدحجابی، توسط نیروی انتظامی- تاکید نیروی انتظامی برای مقابله با بدحجابی با استفاده مناسب از رسانه به عنوان مهمترین ابزار اطلاع‌رسانی و تبلیغات- مشخص کردن نوع الگوی پوشش مناسب و اطلاع‌رسانی آن به مردم از ضروریات مقابله با بدحجابی، از نظر نیروی انتظامی- ضروری دانستن اختصاص یک خط تلفن برای پاسخگویی به سوال‌ها، ابهام‌ها و انتقادات مردم- تاکید برخورد با اصنافی که لباس‌های نامناسب را در بازار عرضه می‌کنند برای مقابله با بدحجابی از نظر نیروی انتظامی- نپسندیدن کلیت قوانین حجاب، اما کنار آمدن با آن در برخی دانش‌آموزان- نپسندیدن شیوه سخت‌گیرانه‌ی اجرای حجاب و پذیرفتن کلیت قوانین آن در برخی دانش‌آموزان.</p>	<p>۲۸، ۲۸، ۲۸، ۳۵ ۳۵، ۳۵، ۳۵ ۲۳، ۲۳</p>
<p>توجه به عدم رعایت مذهب</p>	<p>طبیعی تلقی شدن، کنار گذاشتن زنان بی‌حجاب از موقعیت‌های مختلف- آسیب اجتماعی در صورت عدم رعایت حجاب- ملزم کردن آحاد جامعه به رعایت پوشش توسط حکومت، بواسطه آسیب‌های اجتماعی ناشی از عدم رعایت حجاب- آسیب‌های تربیت عفاف در ۵ حوزه عبارتند از: خانواده، محیط‌های آموزشی، رسانه‌ها، نهادهای حکومت و موقعیت‌های مذهبی- بیشتر بودن آسیب‌های ناشی از عدم رعایت حجاب در دو حوزه خانواده و محیط‌های آموزشی.</p>	<p>۲۲، ۲۴، ۲۴، ۳۶ ۳۶</p>
<p>توجه به سازش در رفتار</p>	<p>توجه کاربران تارنماهای داخلی، به خود پدیده حجاب و توجه کاربران تارنماهای خارجی، به پیوند حجاب با جمهوری اسلامی- برخورد سخت‌تر با معترضان به حجاب در کاربران تارنماهای داخلی- مهندسی شدن پدیده بدحجابی از خارج در نظر کاربران تارنماهای داخلی- دانستن پدیده بدحجابی را مساوی با رواج بی‌بندوباری در نظر کاربران تارنماهای داخلی- محدودیت محسوب نشدن حجاب، برای زنان ورزشکار- استفاده از رنگهای شاد برای حجاب در کتابهای مقطع ابتدایی- نشان دادن حجاب و عفاف، به عنوان بیشترین ارزش فرهنگی در اخبار دینی شبکه‌های سیما.</p>	<p>۸، ۸، ۸، ۱۲ ۱۳، ۱۸</p>

فرا ترکیب مطالعات حجاب در ایران بعد از انقلاب اسلامی (سحر نقی پور ایوکی و دیگران) ۱۶۱

جدول ۴. گزاره‌های توصیفی و مقولات مرتبط با مضمون حجاب مدرن

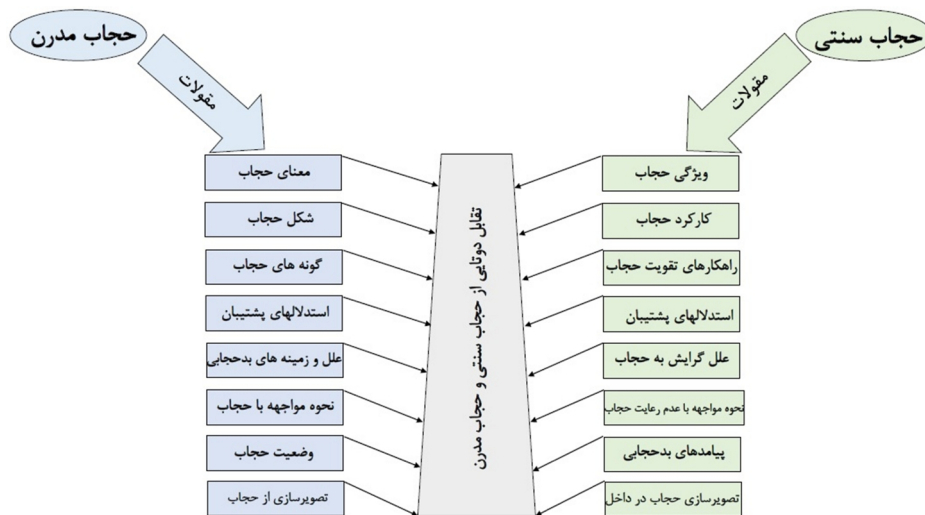
حجاب مدرن		
مقولات	گزاره های مستخرج از مطالعات	کد مطالعه انجام شده
تفاوت	معنای متفاوتی از انتخاب نوع پوشش- معانی متفاوت از حجاب- پوشش، رفتاری فراتر از حجاب- پوشش، میانجی هویت یابی و تمایز بخشی- پوشش، به مثابه مدیریت بدن و نماد بازانندیشی- شکل گیری پوشش در کشاکش الزام‌های ساختاری و انتخاب‌های فردی- پروپلماتیک شدن پوشش برای دانشجویان دانشگاه کرمانشاه- فردی شدن پوشش برای زنان- نبود تمایز فضایی و اجتماعی در انواع پوشش، و وجود تعامل خوب بین افراد محجبه و کم حجاب- پوشش پدیده‌ای متفاوت از حجاب برای زنان- دلالت‌های زیبایی‌شناختی و دلالت‌های روان‌شناختی برای حجاب در زنان- تعریف شدن حجاب برای زنان به مثابه تنوع‌طلبی، موقعیت‌مندی، نسبی شدن و الزامات ساختاری- سیال بودن مفهوم حجاب- حجاب به مثابه رسانه‌ی ارتباطی نمادین و کنش اجتماعی- معنای ذهنی و ارزشی نمادین حجاب برای فرد کنشگر- عمل کردن حجاب به مثابه زبان بدن، مدیریت بدن و آرایش و پیرایش بدن و زبان اشیاء در عرصه ارتباطات غیرکلامی.	۱، ۲۰، ۲۰، ۲۰، ۲۰، ۲۰، ۲۰، ۲۲، ۳۹، ۳۹، ۳۹، ۳۹، ۴۰، ۴۰، ۴۰
تفاوت	تغییر شکل چادر از سستی به مدرن- خلاصه نشدن حجاب در پوشش- شکل مقننه و مانتو به عنوان پوشش در کتب درسی- متفاوت بودن شکل حجاب با توجه به محیط‌های گوناگون.	۲، ۹، ۱۳، ۲۵
گونه‌های	تشخیص انواع گونه‌های پوششی عبارتند از: "تیپ قدسی"، "تیپ مقاومتی"، "تیپ عرفی"- نوعی بازانندیشی نسبت به حجاب در زنان خرم‌آباد، و شناسایی سه تیپ اجتماعی سستی، نیمه‌مدرن و مدرن از حجاب- سبک‌های مختلف پوشش عبارتند از: پوشش فردی شده، پوشش مدرن، پوشش مصلحتی و پوشش تکلیفی.	۱، ۱۴، ۳۱
تفاوت	بیشتر احساسی و کمتر عقلانی بودن مواضع دانشجویان نسبت به حجاب- بی‌حجاب ندانستن افراد کم‌حجاب از خود که از ساپورت، یا کفش پاشنه‌بلند... استفاده می‌کنند- عدم امکان همزیستی مسالمت‌آمیز در صورت دست برداشتن گروه اکثریت از برجسب‌زدن به گروه اقلیت- کاهش قدرت تنش تنها با گفتگو در برخی موارد از بین استراتژی‌های اعمال شده توسط کنشگران- ندانستن اجتماعی در خصوص حجاب و داشتن نظرات مختلف در گونه ذهنیتی متحیران- مسئله‌ی اصلی، اختلاف نظر خط‌مشی- گرایان و مجریان عرصه مدیریت در مواجهه‌ی با بدحجابی- مبادرت ورزیدن بر ساز و کارهای سرکوب به تحمیل پوشش دلخواه خود، در جمهوری اسلامی در سه دهه اخیر- رویکردی منفعلانه‌ی ساختار قدرت در دهه‌ی ۷۰ و ۸۰ در سینما، نسبت به ارزش‌ها و سیاست‌گذاری‌های حجاب- از استراتژی‌های افراد برای اداره‌ی پوششان، همنوایی یا بازانندیشی در مفاهیم حجاب.	۱۵، ۲۲، ۲۲، ۲۲، ۲۸، ۲۸، ۴۷، ۵۰، ۵۲

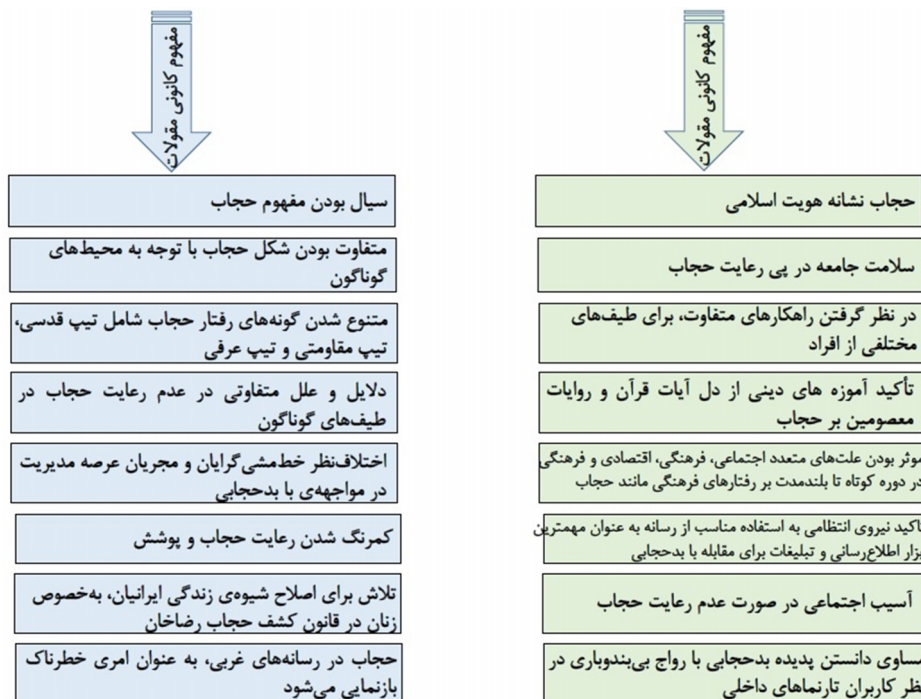
<p>نمونه پژوهش</p>	<p>مخالفت نیمی از افراد با حجاب- مخالف نبودن حضور اجتماعی زنان در نشریه‌ی تجدد- طلب ملا نصرالدین- کم‌رنگ شدن رعایت حجاب و پوشش- کاهش یافتن بروز تقیدات مذهبی در رعایت حجاب- موقعیت‌مند و نسبی شدن حجاب در عصر جهانی شدن- هم‌رنگ شدن با جامعه در زنان کم‌حجاب مشهدی- کم‌رنگ شدن استفاده از نوع خاصی از پوشش (چادر سستی) به خاطر خیزش ارزش‌های مادی، در سال‌های پس از جنگ- عدم کارکردهای اجتماعی و فردی حجاب از نظر زنان کم‌حجاب مشهدی.</p>	<p>۸، ۲۱، ۲۶، ۳۱ ۳۸، ۴۰، ۳۸</p>
<p>علل و زمینه‌های بدحجابی</p>	<p>پیامدهای اجتماعی و فرهنگی برای جوانان همچون استحاله‌ی حجاب و پوشش به خاطر استفاده از شبکه‌های اجتماعی موبایلی- در برخی موارد در تضاد بودن اهداف برنامه رسمی درسی با رعایت حجاب در دانشکده پزشکی مشهد- قربانی کردن ارزش‌های فردی دانشجویان در برابر مقاومت کنترل فرهنگی حجاب- ایجاد شدن احساس رضایت یا عدم رضایت از پوشش در اعتماد به نفس، زیبایی و دیده‌شدن- انگیزه‌های اصلی دانشجویان دختر در انتخاب پوشش عبارتند از: مد، نظر دیگری، تمایز، اعتراض و آزادی- به حساب آمدن بدحجابی، به عنوان عنصر اعتراض و مقاومت فرهنگی- تضعیف حجاب با تردید در باورها- در ارتباط بودن تردید در باورها با فطرت‌گریزی، باورهای دینی سطحی و شناخت دینی ناکافی- موجبات تضعیف حجاب در دانشگاه‌ها به خاطر علل و عوامل شدت یافتن بدحجابی در دو دهه اخیر- دلایل و علل متفاوتی در عدم رعایت حجاب در طیف‌های گوناگون- ورود ارزش‌های جدید در جامعه ایران به واسطه‌ی جهانی شدن فرهنگ، و فناوری‌های مدرن به مرور زمان، باعث تغییر نگرش در خصوص پوشش شده است- به چالش کشیده شدن انگیزه‌ها و شیوه‌های گوناگون حجاب و پوشش در جهانی شدن فرهنگ- کم‌حجابی نتیجه‌ی فرآیند تشدیدشونده اثرات اجتماعی و کم‌اهمیت شدن حجاب در ذهن زنان مشهدی- از جمله مهمترین موانع گسترش فرهنگ عفاف و حجاب عبارتند از: موانع مربوط به خط‌مشی، موانع مربوط به مجریان، موانع ساختاری و مدیریتی و موانع محیطی- از جمله موانع گسترش فرهنگ عفاف و حجاب عبارتند از: بی‌توجهی به ظرفیت‌های اجرایی موجود در دستگاه متولی، عدم توجه به شرایط اجتماعی بدحجابی در تدوین خط‌مشی مقابله با بدحجابی، عدم حمایت عمومی و مردمی از طریق اجرای خط‌مشی‌های مرتبط با حجاب، مبهم بودن عامدانه خط‌مشی‌ها با هدف کاهش تعارض میان ذی‌نفعان- هم‌تصمیم‌های مجریان و هم‌شهروندان بر قضاوت‌های شخصی استوار است نه الگوی مشخصی- از مهمترین موانع اجرایی گسترش حجاب، تاکید بیشتر بر ابزارهای سلبی و تهدیدی است، به جای ابزارهای تشویقی و ایجابی- هسته‌ی اصلی کمپین چهارشنبه‌های سفید، رسیدن به دموکراسی غربی از طریق مخالفت با سنت حاکم بر جامعه و حمایت از آزادی زنان به سبک غربی است- مهمترین علل بدحجابی عبارتند از: بحران هویت، فقدان معنویت، ناآگاهی از پیامدهای جلوه‌نمایی، عدم پایبندی به ارزش‌های اسلامی، عزت‌نفس پایین، احساس حقارت، فقر عاطفی، ترس و یاس، بی‌توجهی به زمینه‌های طبیعی میل به خودنمایی در زنان، و ضعف در حیا زنان- مورد غفلت واقع شدن نقش خانواده در اشاعه حیا و عفاف در متون درسی تفکر و سبک زندگی- طبقه‌بندی تیپ‌های پوششی (عرفی و خودباژه)، براساس درک و دریافت از سکسوالیته، دیگری‌سازی و قضاوت‌های اخلاقی.</p>	<p>۱۱، ۱۹، ۲۵، ۲۵ ۲۵، ۲۷، ۲۷ ۲۹، ۳۱، ۳۱ ۳۸، ۴۴، ۴۴ ۴۴، ۴۸، ۵۱، ۴۹ ۵۲</p>

فرا ترکیب مطالعات حجاب در ایران بعد از انقلاب اسلامی (سحر نقی پور ایوکی و دیگران) ۱۶۳

استدلالاتی پشتیبان	محصول تعامل با غرب، تأکید گفتمان لیبرال بر آزادی انتخاب شکل حجاب- بی‌حجابی معادل "امروزی بودن و اجتماعی بودن" در گفتمان محمدرضا پهلوی، در مقابل گفتمان اسلامی- از جمله مهمترین عوامل کشف حجاب زنان در زمان پهلوی عبارتند از: بهبود وضعیت عمومی زندگی و فرهنگی زنان، آزادی زنان و حضور آنان در اجتماع، تحصیل علم، هنر و معرفت، انکار رابطه دین و حجاب، عدم تأثیر حجاب بر عفت زنان، باستان گرایی و مخالفت با اسلام- تلاش برای اصلاح شیوهی زندگی ایرانیان، به‌خصوص زنان در قانون کشف حجاب رضاخان.	۴، ۱۶، ۳۲، ۴۵
تصویرسازی از آن‌ها	فرض کاربران تارنماهای خارجی، از پدیدهی دختران خیابان انقلاب به عنوان حربه‌ی نظام جمهوری اسلامی برای دور کردن ذهن مردم از بحران‌های دیگر کشور- ملائم‌تر بودن بازنمایی حجاب در سنن پایین، و با حساسیت بیشتری در سنن بالاتر- حجاب در رسانه‌های غربی، خطرناک بازنمایی می‌شود- بازنمایی شدن تصویر زن محجبه در کاریکاتورهای غرب به‌عنوان یک (دیگری) منفعل، ناآگاه و عقب‌افتاده و همواره در نقش یک ابژه جنسی- توجه نشدن به چادر ملی در رسانه ملی.	۸، ۱۳، ۳۰، ۳۴، ۴۰

مبثنی بر یافته‌های فوق و اتخاذ دیدگاهی کل‌نگر، الگوی مفهومی حجاب کمابیش خود را نشان می‌دهد. در واقع به کمک روش تحلیل تماتیک، ابتدا گزاره‌های اسمی شناسایی شده، سپس مفاهیم مرتبط با آن نوشته شده و در یک طیفی از حجاب سستی تا حجاب مدرن قرار داده شد. مفاهیم مشابه طبقه‌بندی و در واپسین مرحله برای هر یک از دو طرف طیف مرتبط با حجاب، مقولاتی به‌دست آمد تا در پرتو روابط موجود میان سطوح مختلف آن‌ها «الگوی مفهومی حجاب» انتزاع شد.





شکل ۳. الگوی مفهومی حجاب در بعد از انقلاب اسلامی ایران

با اتخاذ دیدگاهی کل‌نگر در پرتو کاربست روش تحلیل تماتیک، چنانچه شکل شماره ۳ نشان می‌دهد، مفهوم یا مضمون کانونی «حجاب سنتی» از ترکیب مقولاتی بدست آمد که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم. ذیل مقوله "ویژگی حجاب"، گزاره‌ی (حجاب نشانه هویت اسلامی) با کد ۳۰، نشان‌دهنده‌ی تفاوت فرهنگی جوامع اسلامی از دیگر جوامع است. ذیل مقوله "کارکرد حجاب"، گزاره (سلامت جامعه در پی رعایت حجاب) با کد ۳۷، نتایج رعایت حجاب در ابعاد فردی مشتمل بر مصونیت، آرامش و امنیت زن، و در بعد خانوادگی شامل استحکام و ثبات خانواده معرفی شده است که در نهایت به سلامت جامعه در بعد اجتماعی خواهد انجامید. در ذیل مقوله "راهکارهای تقویت حجاب"، گزاره (در نظر گرفتن راهکارهای متفاوت، برای طیف‌های مختلفی از افراد)، با کد ۲۹، متفاوت و تدریجی بودن راهکارهای ترغیب افراد به حجاب را مدنظر داشته تا با هدف جذب حداکثری توجه زنان و دختران جوان به رعایت حجاب برنامه‌ریزی شود. ذیل مقوله "استدلالات پشتیبان"، گزاره (تأکید آموزه‌های دینی - از دل آیات قرآن و روایات معصومین - بر حجاب)، با کد ۴، ضرورت رعایت حجاب توسط زنان

را با ارزش‌ها و آرمان‌های جامعه اسلامی را پیوند می‌زند؛ رعایت حجاب در هر جامعه بیانگر پابندی به ارزش‌ها و دستورات اسلام در آن جامعه است. ذیل مقوله بعدی یعنی "علل گرایش به حجاب"، گزاره‌ی (موثر بودن علت‌های متعدد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و فرهنگی در دوره کوتاه تا بلندمدت بر رفتارهای فرهنگی مانند حجاب)، با کد ۴۲، حاکی از آن است که افراد با توجه به زمینه‌های مختلفی که با آن سر و کار دارند ممکن است نسبت به پذیرش/رعایت یا عدم پذیرش/عدم رعایت حجاب به نحوی متفاوت تصمیم‌گیری کنند که خود بیانگر ضرورت توجه به علل و عوامل گوناگون در گرایش به حجاب و پابندی به آن نیز هست. در ذیل مقوله "نحوه مواجهه با عدم رعایت حجاب"، گزاره (تاکید نیروی انتظامی به استفاده مناسب از رسانه به‌عنوان مهمترین ابزار اطلاع‌رسانی و تبلیغات برای مقابله با بدحجابی) با کد ۳۵، اولویت آگاهی‌بخشی و متقاعد شدن زنان برای پابندی و رعایت حجاب را نسبت به اقدامات انتظامی و تنبیهی نشان می‌دهد. ذیل مقوله "پیامدهای بدحجابی" با گزاره (آسیب اجتماعی در صورت عدم رعایت حجاب)، با کد ۲۴، بر اهمیت رعایت حجاب در پیشگیری از آسیب‌های اخلاقی، روانی و اجتماعی در سطح فرد، خانواده و جامعه تاکید می‌کند و به نوبه خود در تائید یا عدم تائید ضرورت حضور و مشارکت اجتماعی زنان سهمی بسزا ایفا می‌کند. ذیل مقوله "تصویرسازی حجاب در داخل" با گزاره‌ی (مساوی دانستن پدیده بدحجابی با رواج بی‌بندوباری در نظر کاربران تارنماهای داخلی)، با کد ۸، حجاب به‌عنوان یک ارزش فرهنگی و نه محدودیتی در فعالیت‌های اجتماعی معرفی کرده و عدم رعایت آن را به مثابه نوعی هنجارشکنی و بی‌بندوباری و موجب نابسامانی اخلاقی جامعه دانسته می‌شود.

متناظر با مقولات سازنده مضمون کلی «حجاب سنتی»، آنسوی طیف، ترکیب شدن مقولاتی مشابه، لیکن با محتوایی متفاوت، رسیدن به مضمون «حجاب مدرن» را امکان‌پذیر نموده است. ذیل مقوله "معنای حجاب" گزاره (سیال بودن مفهوم حجاب)، با کد ۳۹، بر متکثر شدن معانی حجاب در جامعه، فردی شدن پوشش و توجه به جنبه‌های زیبایی‌شناختی و روان‌شناختی آن برای زنان دلالت می‌کند. مقوله "شکل حجاب" با گزاره (متفاوت بودن شکل حجاب با توجه به محیط‌های گوناگون)، با کد ۲۵، از پذیرش اشکال متنوع حجاب چون چادر ملی، مانتو، مقنعه، شال و روسری به‌عنوان ضرورتی قانونی و برخورداری از خدمات دولتی حکایت می‌کند. مقوله "گونه‌های حجاب" با گزاره (متنوع شدن گونه‌های رفتار حجاب شامل تیپ قدسی - تعریف چادر به عنوان حجاب برتر -، تیپ مقاومتی - مخالف با چادر به‌عنوان شکل مقدس در شرع و عرف -، و تیپ عرفی - تعریف پوشش در جامعه براساس عرف -)، با

کد ۱، بیش از اثربخشی برنامه‌های دولتی به نقش انتخاب‌های فعال و هدفمند زنان در میزان و کیفیت پابندی به حجاب انگشت می‌گذارد. مقوله "استدلایهای پشتیبان" با گزاره‌ی (تلاش برای اصلاح شیوه‌ی زندگی ایرانیان، به‌خصوص زنان در قانون کشف حجاب رضاخان)، با کد ۴۵، با پیوند زدن میان داعیه پیشرفت و کنار گذاشتن حجاب توسط زنان چنین نتیجه می‌گیرد به موازات حجاب که نشانه جامعه ماقبل مدرن است و هر کشوری در مسیر توسعه و ترقی گام بر می‌دارد لاجرم از حجاب فاصله خواهد گرفت. در مقوله "علل و زمینه‌های بدحجابی" گزاره (دلایل و علل متفاوت در عدم رعایت حجاب در طیف‌های گوناگون)، با کد ۲۹، به مجموعه عوامل و دلایلی تاکید می‌کند که بواسطه ورود فزاینده ارزش‌ها و معناهای غربی و غیراسلامی به درون جامعه صورت گرفته و پیوسته نیز از رهگذر فراگیری کاربست فضای مجازی تشدید می‌شود؛ هرچند کاستی‌های خانواده‌ها و سازمان‌های فرهنگی در تقویت زیربنای اعتقادی جامعه نسبت به ضرورت حجاب قابل انکار نیست. مقوله بعدی "نحوه مواجهه با حجاب" با گزاره‌ی (اختلاف‌نظر خط‌مشی‌گرایان و مجریان عرصه مدیریت در مواجهه با بدحجابی)، با کد ۲۸، به فقدان انسجام و یکپارچگی لازم در برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌های مرتبط با حجاب نزد متولیان امر اشاره دارد. به بیان دیگر انجام هر اقدام موثری در خصوص محافظت از امر رعایت حجاب مستلزم اجماع سطوح مختلف سیاستگذاری و اجرای فرهنگی است. مقوله "وضعیت حجاب" با گزاره (کمرنگ شدن رعایت حجاب و پوشش)، با کد ۲۶، از افزایش عدم تمایل به حجاب، عادی شدن بدحجابی در جامعه، موقعیت‌مند شدن حجاب در بخش‌هایی از جامعه، فراگیر شدن استفاده از لوازم آرایشی و حتی مخالفت با حجاب حکایت می‌کند. مقوله "تصویر سازی از حجاب" با گزاره (حجاب در رسانه‌های غربی، به عنوان امری خطرناک بازنمایی می‌شود)، با کد ۳۰، حکایت از آن دارد که حجاب در رسانه‌های خارجی، نه به‌عنوان انتخابی شخصی یا ارزشی اعتقادی یا فرهنگی، بلکه در تقابلی آشکار با مبانی مدرنیته به مثابه امری منفی و خطرناک بازنمایی می‌شود.

۵. نتیجه‌گیری

متعاقب نوسازی در ایران و تغییرات اجتماعی گسترده حاصل از آن، بتدریج گستره کمی و کیفی زیست اجتماعی زنان دچار تحول شد؛ تحولی که به‌واسطه وقوع انقلاب اسلامی و ماهیت سنتزی گفتمان حاکم بر آن (کسرابی و همکاران، ۱۳۹۱ و نیکخواه قمصری و صادقی فسایی، ۱۳۹۱) از یک سو و روند تغییرات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در سطح ملی و

فرا ترکیب مطالعات حجاب در ایران بعد از انقلاب اسلامی (سحر نقی پور ایوکی و دیگران) ۱۶۷

جهانی (شریفی (Sharifi)، ۲۰۱۸، ۱۸۱) از سوی دیگر تشدید شد، گرچه منازعه میان نیروهای اجتماعی از جمله زنان و حکومت برای مطالبه عدالت جنسیتی همچنان جریان دارد (صدقی (Sedghi)، ۲۰۲۰، ۱۱۱)، و فراگیری تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی جدید و ظهور رسانه‌های جایگزین در سال‌های اخیر، به رواج تعاریف و تفاسیر متکثر و متنوعی از پدیده‌هایی چون «حجاب» انجامیده است (شهبازی سلطانی و خدابنده‌بایگی، ۱۳۹۸: ۸۹).

پژوهش حاضر نه با هدف انعکاس صرف محورهای مورد بحث در آثار مرتبط با حجاب، بلکه به منظور ایفای نقشی فعال در تولید تفسیری جدید از مولفه‌های سازنده موضوع حجاب در ایران پس از انقلاب، از خلال بررسی و ترکیب مطالعات کیفی انجام شده، و نیز نشان دادن حلقه‌های مغفول در این قلمرو مطالعاتی، سازمان یافت و همسو با دیدگاه سندلوسکی و باروسو (۲۰۰۶) تلاش کرد از رهگذر ترکیب تحقیقات کیفی منتخب در این زمینه، هم به یک تفسیر جدید و یکپارچه، و هم به فرایندهای مربوط به تولید آن دست یابد.

چنانچه الگوی مفهومی برآمده از ترکیب گزاره‌های توصیفی مقالات مورد مطالعه نشان می‌دهد، تفکیک دو الگوی فرهنگی «حجاب سنتی» و «حجاب مدرن» با توجه به کد مقالات ۱، ۱۴، ۲۲، ۳۱، ۵۲، از یکدیگر قابل تمیز است؛ موضوعی که با توجه به زمان انتشار مقالات، ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۹، پیوندی وثیق با بستر فرهنگی اجتماعی جامعه ایران را یادآور می‌شود.

هرچند گزاره‌های توصیفی مرتبط با سه مقوله نخست به طور تقریبی؛ یعنی تنها در اسم مقوله متفاوت‌اند، اما از لحاظ مفهومی مانند دیگر مقوله‌ها در تقابل‌اند، و ۵ مقوله دیگر به طور کامل تقابل دو الگوی مفهومی حجاب را نشان می‌دهند، باید توجه داشت که بر حسب همان مقوله «استدلال‌های پشتیبان»، نه «حجاب سنتی» همان حجابی است که در معنای پرده‌نشینی، مانع از مشارکت زنان در جامعه و در نتیجه در نقطه مقابل توسعه و پیشرفت تلقی شود، و نه «حجاب مدرن» همان حجابی است که در پیوند با گزاره‌های مندرج در سپهر معنایی مدرنیته منتشر شده در سطح جهان از جمله ایران به مدد تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی جدید کاملاً غربی و غیردینی شناخته شود. وضعیت جدیدی که با تکیه بر مقولات «نحوه مواجهه با حجاب» و «علل گرایش به حجاب» و متناظر با آن «علل گرایش به بدحجابی» در هر دو به خوبی ضرورت میزانی از انعطاف‌پذیری و بازاندیشی را به تصویر می‌کشد که خود مبین توجه هم کنشگران اجتماعی و هم سیاستگذاران و مجریان فرهنگی به نقش بسترهای اجتماعی فرهنگی جامعه ایران در تعاملی آگاهانه و فعالانه با زمینه‌ها و نیروهای محلی و جهانی تولید، بازتولید یا تغییر هر معنا و مفهومی از حجاب و کارکردها و پیامدهای آن است.

در الگوی سستی حجاب مقولاتی چون "ویژگی حجاب" و "کارکرد حجاب"، نشان از پیوند آن با ارزش‌ها و اعتقادات دینی دارد که بنا به نظر دورکیم، می‌تواند معرف نظم و سامان اخلاقی جامعه باشد و در سوی دیگر "پیامدهای بدحجابی" به مثابه نوعی آسیب اجتماعی می‌تواند نشانی از کم‌رنگ شدن اعتقادات دینی و در نتیجه تعمیق بی‌هنجاری و گسستگی در اخلاقیات مشترک جامعه تلقی شود؛ "امری که در مضمون تصویرسازی حجاب در داخل" و پیوند آن با استحکام جامعه اسلامی در تقابل با آفات بی‌بند و باری یا همان عدم رعایت حجاب مورد تاکید قرار می‌گیرد. مقولات "استدلال‌های پشتیبان"، «علل گرایش به حجاب» و «راهکارهای مقابله با بدحجابی» ذیل مفهوم کانونی حجاب سستی نیز در دستگاه نظری دورکیم به خوبی پشتیبانی می‌شود، چرا که به انحاء مختلف بر اهمیت کارکردی حجاب برای جامعه و حفظ انسجام اخلاقی آن تاکید نموده و آنرا فراتر از انتخابی شخصی، واجد معنا و ضرورتی اجتماعی معرفی می‌کند و از همین رهگذر می‌توان به نقش نهادهای مختلف در برنامه‌ریزی و عملیاتی‌شدن الگوی سستی حجاب پی برد.

اما از آنجا که جامعه ایران پس از انقلاب نیز همسو با دیگر کشورهای جهان متأثر از روند پرشتاب تغییرات در عرصه‌های مختلف به‌ویژه کاربست فزاینده تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی، موقعیت جدیدی را تجربه می‌کند که مقتضای نظری شناخت و تحلیل آن نه سازوکارهای تثبیت نظم سستی بلکه بازاندیشی مبتنی بر اراده و آگاهی عاملان اجتماعی است، با الهام از شرح مفصل گیدنز بر پیامدهای مدرنیته برای انسان معاصر که عاملیت فردی را در پیوند با ساختارهای در حال برساخته شدن اجتماعی در کانون توجه قرار می‌دهد؛ می‌توان ظهور معنای مدرن حجاب را تا حدودی در میانه انتخابهای فردی و الزامات ساختاری مشاهده نمود؛ امری که به نوبه خود در دیگر ابعاد و سطوح زندگی همه اعضای جامعه از جمله زنان نمود می‌یابد و برجستگی مقولاتی چون «تکثر معنای حجاب»، «تغییر در شکل حجاب»، و «تنوع گونه‌های حجاب» در الگوی حجاب مدرن به خوبی حکایت از همسویی با دستگاه نظری گیدنز دارد.

این‌گهاریت از منظری دیگر، روند پرشتاب تغییرات را با رشد ارزش‌های فرامادی و تحول فرهنگی پیوند زده و بنیانی تئوریک برای انتخاب‌ها و ترجیحات فردی در مواجهه با الزامات اجتماعی فراهم می‌آورد که مبتنی بر آن می‌توان مقولاتی چون "علل گرایش به حجاب/بدحجابی" و "راهکارهای مواجهه" با آنرا در طیفی از زنان جوان تحصیلکرده، شاغل، ورزشکار یا هنرمند توضیح داد، بر این اساس تغییر شکل حجاب از جامعه سستی به جامعه

مدرن و تنوع در گونه‌های آن نه با ارزش‌های سنتی، بلکه در پرتو ارزش‌هایی متناسب با مقتضیات جامعه مدرن محقق می‌شود. در ارتباط با مقوله "تصویر سازی حجاب در رسانه‌های خارجی" نیز با نظریه اینگلهارت و تاکید آن مبنی بر رابطه معکوس میان سطح فراگیری ارزش‌های مادی گرایانه در نتیجه پیشرفت‌های اقتصادی و تکنولوژیک با ارزش‌هایی سنتی مانند حجاب قابل تفسیر است.

اما آنچه بیش از تحلیل یافته‌ها در پرتو نظریه‌هایی که با هدف نوشتار حاضر همسویی داشته و اهمیت دارد شناسایی خلاءهایی است که در این قلمرو پژوهشی مغفول مانده یا شناخت روند هرگونه تثبیت یا تغییر الگوی مفهومی حجاب را متکی بر اطلاعاتی جزئی‌تر و دقیق‌تر با محدودیت مواجه می‌سازد؛ خلایی که پر شدن آن فراتر از روش توصیفی، تاریخی و اسنادی مورد استفاده در بیشتر پژوهش‌های مورد بررسی مستلزم روی آوردن پژوهشگران این عرصه به کاربست روش‌ها و راهبردهای متنوع پژوهش کیفی چون پدیدارشناسی به منظور درک هرچه بیشتر معنای حجاب در ساختار آگاهی زنان بر حسب تجربه زیسته گروه‌های مختلف آن‌ها، قوم‌نگاری و توصیف ژرف اشکال حجاب و کارکردهای آن در فرهنگ‌های مختلف، نظریه داده‌بنیاد و استفاده از داده‌های حاصل از واکاوی لایه‌های زمینه مورد بررسی به منظور شناخت علل و سازوکارهای علی موثر در رواج شکل و معنای خاصی از حجاب در زمانه‌ای خاص، تحلیل گفتمان آنهم با توجه به تنوع شیوه‌های آن از تحلیل‌های صرف زیان‌شناختی تا تحلیل‌های انتقادی و پساساختارگرا، به منظور فهم چگونگی برساخته‌شدن حجاب و مرزهای معنایی آن از رهگذر آشکارسازی روابط قدرت مندرج در زبان گفتاری یا نوشتاری (ادوار مختلف و... است. به‌علاوه تمهید دانشی در خور این قلمرو پژوهشی فرهنگی فراتر از وجه تبلیغی، ترغیبی یا اقناعی مستلزم کاربست مبانی نظری متنوع و منسجم از رشته‌های مختلف علمی است. در واقع جاییکه حجاب در پیوند با بدن و همه نیروهای تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی روانشناختی پیچیدگی قابل ملاحظه‌ای را در جامعه بازنمایی می‌کند، نگاه تک علتی به رواج شکل خاصی از آن یا نگاهی آسیب‌شناختی به پیامدهای عدم رعایت آن نمی‌تواند چندان راهگشا باشد.

به هر حال علاوه بر پژوهش‌های کیفی، انجام پژوهش‌هایی در سطح ملی و منطقه‌ای، استانی یا گروه‌های قومیتی جهت تامین اطلاعات آماری دقیق و معتبر، مطالعات تطبیقی در خصوص نگرش (شناخت، باور و رفتار) نسبت به حجاب در میان اقشار گوناگون جامعه (دانشجو و غیر دانشجو، دانشجویان بر حسب نوع دانشگاه، مقطع تحصیلی، گروه رشته‌های

تحصیلی، افراد شاغل و غیرشاغل، نوع و مرتبه شغلی، زنان و مردان در رده‌های سنی مختلف و...، مطالعه حجاب در ژانرهای مختلف ادبی، هنری، علمی، ورزشی و...، انجام مطالعاتی با رویکردی تلفیقی و میان‌رشته‌ای و مواردی از این دست می‌تواند ژرفا و گستره تامل پیرامون حجاب و اشکال و انواع آن بر حسب بسترهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی داخلی و خارجی را افزایش دهد و پشتوانه علمی لازم جهت سیاستگذاری در امر حجاب را فراهم نماید.

کتاب‌نامه

- ایبلی، خدایار، حاج‌خزیمه، مجتبی و پورکریمی، جواد (۱۳۹۹)، شناسایی مولفه‌های مدیریت ناب در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی (یک مطالعه فراترکیب)، مدیریت در دانشگاه اسلامی، ۲۹(۲)، ۲۴۱-۲۵۶.
- ایمنی، معصومه، باقری، احمد و رحمان‌ستایش، محمدکاظم (۱۳۹۹)، پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، ۸(۱۹)، ۱۵۷-۱۷۷.
- اینگلهارت، رونالد و نوریس، پیپا (۱۳۸۷)، مقدس و عرفی (دین و سیاست در جهان)، چاپ اول، تهران: کویر.
- اینگلهارت، رونالد (۱۴۰۰)، تحول فرهنگی، ترجمه‌ی بهزاد عطارزاده، تهران: علمی-فرهنگی.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۹۵)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه‌ی مریم وتر، تهران: کویر.
- انتصارفومنی، غلامحسین، کاوندی، سحر، کمالی، نقی، انتصارفومنی، منصوره و انتصارفومنی، فاطمه (۱۳۹۳)، مقایسه مصونیت اجتماعی و سلامت روانی زنان باحجاب و بدحجاب، زن و مطالعات خانواده، ۷(۲۶)، ۷-۲۲.
- جعفری‌نژاد، نوید، مقبل‌باعرض، عباس و آذر، عادل (۱۳۹۳)، شناسایی و استخراج مولفه‌های اصلی مدیریت ریسک سازمان با استفاده از روش فراترکیب، چشم‌انداز مدیریت صنعتی، ۱۵، ۱۰۷-۸۵.
- جوهری، فاطمه (۱۳۸۷)، بدن و دلالت‌های فرهنگی-اجتماعی آن، مطالعات فرهنگ ارتباطات، ۹(۱)، ۳۷-۸۰.
- حقیقی، مژگان (۱۳۹۶)، حجاب و عاملیت ابژه‌ها: مواجهه زنان و ابژه‌های پوشش بعد از انقلاب اسلامی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، کرمانشاه: گروه علوم اجتماعی دانشگاه رازی.
- ده‌یادگاری، سعید، مشبکی‌اصفهانی، اصغر، بستام، هادی و الیاسی، نبی‌الله (۱۳۹۶)، ارائه الگوی ساختاری عوامل موثر بر قصد خرید پوشاک حجاب در زنان، فصلنامه فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده، ۱۱(۳۸)، ۷-۳۰.
- زاهد، سیدسعید، و کاوه، مهدی (۱۳۹۱)، گفتمان‌های پوشش ملی در ایران، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱(۴)، ۴۹-۷۴.

فرا ترکیب مطالعات حجاب در ایران بعد از انقلاب اسلامی (سحر نقی پور ایوکی و دیگران) ۱۷۱

- زاهدیان، محمدحسین و صدری‌ارحامی، محمد (۱۳۹۹)، بررسی جایگاه حجاب در حقوق بشر از دیدگاه نظریه جهانشمولی و نسبی‌گرایی، نشریه علمی فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده، ۱۵(۵۲)، ۸۹-۱۰۵.
- شاکری‌نژاد، محسن (۱۳۹۸)، شاخص‌های عفاف و حجاب در شخصیت‌های زنان تحصیل‌کرده سریال‌های تلویزیونی ایرانی، مطالعات راهبردی زنان، ۲۱(۸۳)، ۳۱-۵۲.
- شهانواز، سارا و آزاده، منصوره‌اعظم (۱۳۹۷)، فرا ترکیب مطالعات تجرد در ایران، مطالعات اجتماعی-روان‌شناختی زنان، ۱۶(۴)، ۴۳-۷۸.
- شهبازی‌سلطانی، محمد و خدابنده‌بایگی، ایمان (۱۳۸۹)، بررسی نظرهای کاربران فضای مجازی در خصوص اخبار منتشره در خبرگزاری‌های داخلی و خارجی فارسی‌زبان پیرامون پدیده‌ی "دختران خیابان انقلاب"، رسانه، ۳۰(۴)، ۷۱-۹۱.
- فوکو، میشل (۱۳۹۸)، مراقبت و تنبیه (تولد زندان)، ترجمه‌ی نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، چاپ شانزدهم، تهران: نی.
- کاظم‌پور ساریدرق، الهام، یاری، جهانگیر، سفیری، خدیجه، معروف‌پور، مینا، قلی‌پور، آرزو، جوانمرد، غلام‌حسین، گل‌محمدزاده، زینب و عبدالله‌پور، نازی (۱۳۹۷)، بررسی تحلیلی حجاب از دیدگاه ادیان اسلامی (اسلام، یهود و مسیحیت). فصلنامه زن و مطالعات خانواده، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تبریز)، ۱۰(۳۸)، ۶۹-۹۷.
- کریگان، کیت (۱۳۹۶)، جامعه‌شناسی بدن (نظریه‌های مدرن، پست‌مدرن و پسا ساختارگرایانه)، ترجمه محسن ناصری‌راد، چاپ دوم، تهران: نقش‌ونگار.
- کسرابی، محمدسالار، رضایی، محمد و مرادخانی، همایون (۱۳۹۱)، فراتحلیل پوشش اسلامی در پژوهش‌های اجتماعی و فرهنگی، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۸(۲۶)، ۱۷۰-۱۳۳.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸)، چشم‌اندازهای جهانی، ترجمه‌ی محمدرضا جلالی‌پور، چاپ سوم، تهران: طرح نو.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸)، تجدد و تشخص (جامعه، هویت شخصی در عصر جدید)، ترجمه‌ی ناصر موفقیان، چاپ ششم، تهران: نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی (با تجدیدنظر کامل و روزآمد شده)، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، چاپ پنجم، تهران: نی.
- محمدحسین‌زاده، معصومه، سعیدی‌رضوانی، محمود، امین‌خندقی، مقصود، مه‌رام، بهروز و تقی‌پور، علی (۱۳۹۸)، افول ارزش‌های عفاف و حجاب در دانشکده پزشکی (یک مطالعه پدیدارشناسی)، تربیت اسلامی، ۱۵(۳۲)، ۳۳-۵۳.
- محمودی، مرتضی و بابایی، محمدعلی (۱۳۹۹)، مبانی جرم‌انگاری عدم رعایت حجاب شرعی در حقوق کیفری ایران، پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱۱(۱)، ۲۷۴-۲۵۳.

- مجیدی، حسن و نیک‌ملکی، محمد (۱۳۹۱)، بررسی ارزش‌های دینی در اخبار دینی شبکه‌های سیما در سال ۱۳۸۸، دین و ارتباطات، ۱۹(۲)، پیاپی ۰۴۲، ۸۰-۳۷.
- مرادخانی، همایون (۱۳۹۶)، رویه‌های به‌گفتمان درآوردن نحوه‌ی پوشش زنان پس از انقلاب اسلامی، مطالعات جامعه‌شناختی، ۲۴(۱)، ۲۰۳-۱۷۱.
- نعمتی‌فر، نصرت‌الله و صفورایی‌پاریزی، محمدمهدی (۱۳۹۸)، بررسی تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر حجاب و پوشش کاربران با تأکید بر ابعاد دین‌داری (مورد مطالعه: کاربران زن شبکه اجتماعی اینستاگرام)، دین و ارتباطات، ۲۶(۱)، ۳۳۵-۳۶۲.
- نوریس، بیبا و اینگلهارت، رونالد (۱۳۹۷)، جهانی‌شدن و تنوع فرهنگی، ترجمه‌ی عبدالله فاضلی و ساجده علامه، چاپ دوم، تهران: کویر.
- نیکخواه‌قمصری، نرگس و صادقی‌فسایی، سهیلا (۱۳۹۱)، زنان فراتر از نقش‌های سنتی: بررسی جایگاه زن در کلام امام خمینی (ره)، زن در فرهنگ و هنر، ۴(۲)، ۲۴-۵.
- همیلتون، ملکم (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی دین، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، چاپ دوم، تهران: ثالث.

Butler, Judith (1990). *Gender Trouble: Feminism and the subversion of Identity*. New York; Routledge.

Nayar, Shoba, & Stanley Mandy (2015). *Qualitative Research Methodologies for Occupational Science and Therapy*, Taylor and Francis Group, New York and London.

Sandelowski, Margarete., & Barroso, Julie (2006). *Handbook for synthesizing qualitative research*. Springer publishing company.

Sedghi, Hamideh (2020). *Conflictual Identities: The State and Feminist Women in the Islamic Republic of Iran*, *Journal of Women of the Middle East and the Islamic World*, 18, 96-113.

Sharifi, Nafiseh (2018). *Female Bodies and Sexuality in Iran and the Search for Defiance*, School of Oriental and African Studies London, UK, Springer International Publishing.

Timulak, L (2009). *Meta-analysis of qualitative studies: A tool for reviewing qualitative research findings in psychotherapy*. *Psychotherapy Research*, Volume 19, pp. 591-600.